

اثرگذاری کمی و کیفی اجتهاد قاریان در قرائات
 احمد خالدي / مجيد معارف / محمد علي ايازي / مهدي مهريزي
 علمی - پژوهشی
 فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
 سال بیستم، شماره ۸۰ «ویژه باورشناخت»، پاییز ۱۴۰۲، ص ۴۹ - ۶۸

اثرگذاری کمی و کیفی اجتهاد قاریان در قرائات (با تأکید بر آثار و پیامدها)

احمد خالدي^۱ / مجيد معارف^۲ / محمد علي ايازي^۳ / مهدي مهريزي^۴

چکیده

از واقعیت‌های تاریخی در مورد قرائات قرآن، اختلاف قرائات است. پیدایش قرائات گوناگون، معلول دو گونه علت بوده است که می‌توان آنها را به علت‌های طبیعی و اجتهادی تقسیم کرد. بر پایه پژوهش صورت گرفته، یک سری از علل، به صورت طبیعی صورت گرفته‌اند که دانشمندان و مفسران علوم قرآنی نیز به آنها پرداخته‌اند و عواملی چون: اختلاف لغات و لهجه‌های عرب، خالی بودن کلمات از علائم، اعراب و نقطه در صدر اسلام، عدم وجود الف ممدوده در ساختار کلمات و سهل‌انگاری کاتبان کلام وحی در نگارش رسم‌النخط دقیقی از قرآن را در برمی‌گیرند. در مقابل مسائلی چون تعصب و خودبینی برخی از قاریان در ارائه قرائت جدید، بی‌اطلاعی از قواعد عربی، چشم و هم‌چشمی قاریان، تحمیل قواعد صرفی و نحوی، از علل اجتهادی برخی قاریان در توسعه قرائات بوده است. با مراجعه به نصوص تاریخی کتب قرائات، می‌توان اثرگذاری اجتهاد قاریان بر علوم اسلامی را به وضوح مشاهده کرد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، قرائات، قاریان، اجتهاد و اختلاف قرائات.

* دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۳۰؛ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۱.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، رشته علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران. Khaledi.ahmad@yahoo.com

۲. استاد و عضو هیأت علمی، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، تهران، ایران. Maaref@ut.ac.ir

۳. استادیار و عضو هیأت علمی، رشته علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران. Ayazi1333@gmail.com

۴. دانشیار و عضو هیأت علمی، رشته علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران. Toosi217@gmail.com

مقدمه

از دیرباز در میان عالمان مسلمان بر سر امکان اجتهاد قاریان و شیوه‌ای که هر یک برای سنجش قرائات به کار می‌بسته‌اند، اختلاف نظر بوده است. برخی از علمای شیعه نه تنها معتقدند که چنین اجتهاداتی در قرائات روی داده است؛ بلکه معتقدند که اهل بیت علیهم‌السلام در مقابل چنین تفکری واکنش نشان می‌دادند. از میان عالمان معاصر شیعه، برخی نیز، با پذیرش وقوع چنین اجتهاداتی به ضرورت هر اجتهادی از این جنس در قرائات را باطل نگاهشته‌اند و میان اجتهادات مقبول و ممنوع فرق نهاده‌اند. با این حال عبدالهادی فضلی (۱۳۵۴ق)، نشانه‌های بارز اجتهاد و اختیار قاریان را گستردگی اختلاف قرائات، اختیار در قرائت، روایت و مساعی قاریان در انتخاب و اختیار وجهی که بر قاری روایت شده است، معرفی کرده است (ر.ک، فضلی، ۱۳۸۸: ۱۳۸).

در میان اندیشمندان مسلمان، عده‌ای قرائات را توقیفی و از ناحیه وحی معرفی کرده‌اند و به دلیل عدم توجه به توقیفی بودن آیات (که تا دوران متأخر نیز رایج بوده است)، معتقد به جواز اجتهاد در قرائات بوده‌اند؛ در مقابل علمای شیعی بر اساس آموزه‌های دینی و احادیث ائمه معصومین علیهم‌السلام، معتقد به اجتهاد قاریان و راویان در قرائات مختلف هستند. بسیاری از محققان در ترجیح قرائتی بر سایر قرائات مانعی نمی‌دیدند و اختیار قاریان را جایز می‌دانستند (ر.ک، ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۶۰). بالوالی از محققان علوم قرائت تصریح کرده است که نشانه‌های اختیار و اجتهاد مربوط به عصر صحابه نیست؛ اما علت امر را به دوره تابعین و پس از آن نسبت می‌دهد (ر.ک، بالوالی، ۱۴۱۸: ۴۱-۴۲). به دنبال قرائت قرآن، یکی از مسائلی که پدیدار گشت، اختلاف قرائات بوده است که بعد از آن نیز، اجتهاد قاریان بستری را برای گسترش اختلاف قرائات و اثرگذاری بر علوم اسلامی فراهم کرد.

طرح مسئله

یکی از اتفاقاتی که پس از نزول، جمع‌آوری و تثبیت قرآن کریم به عنوان یک متن در امت عربی افتاده است، اختلاف قرائات است که تأثیر اجتهاد قاریان در این زمینه (به عنوان یکی از عوامل مؤثر)، همواره مورد توجه عامه مردم و به ویژه اندیشمندان

علوم قرآنی قرار گرفته است. شکل‌گیری بخشی از این اختلاف قرائات در زمان حیات پیامبر ﷺ به صورت نامحسوس و بعد از رحلت وی به دلایلی مانند: لهجه‌ها، نوع گویش و عدم یکسان‌سازی مصاحف، زمینه‌آستمرار اختلاف‌ها را تقویت نمود. اجتهاد قاریان از جمله موضوعاتی است که در بین محققان و اندیشمندان موافقان و مخالفانی دارد که عمده دلیل موافقان، استنباط شخصی صحابه و عمده دلیل مخالفان، استناد به سماع و روایت است.

مسئله اصلی مقاله پیش رو، بررسی میزان اثرگذاری اجتهاد در توسعه اختلاف قرائات است؛ اجتهادی که سبب خلق کتاب‌هایی با عناوین مختلف در حوزه قرائات و منازعات فکری علماء در باب ایجاد مکاتب قرآنی و کثرت اختلاف قرائات در حاشیه قرائت اصلی بوده است. در کلام برخی از ائمه معصومین علیهم‌السلام، پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام و علمای شیعه، نزول و تمسک بر یک قرائت واحد، مورد تأکید بوده است؛ چنانچه از امام باقر علیه‌السلام منقول است که: «إِنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ نَزَلَ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ وَ لَكِنَّ الْاِخْتِلَافَ يَجِيءُ مِنْ قِبَلِ الرُّوَاهِ»؛ «قرآن واحد است و از سوی خدای واحد نازل شده است؛ لیکن اختلاف از جانب روایان و قاریان پدید آمده است» (کلینی، ۱۳۸۸: ۶۳۰/۲).

تاکنون پژوهش‌های متعددی درباره اختلاف قرائات انجام شده است؛ اما کمتر پژوهشی به موضوع اجتهاد قاریان و اثرگذاری آن بر علوم اسلامی و قرآنی (علم صرف و نحو، تجوید، کلام، قرائت شاذ و تفسیر) به صورت تحلیلی پرداخته است. آنچه ضرورت این پژوهش را بیان می‌کند، ابهامات و بی‌توجهی به اجتهاد قاریان و بررسی صحت و سقم وقوع این پدیده در اختلاف قرائات، مابین قاریان است که در پژوهش‌های قبلی تنها به علل طبیعی به صورت سطحی و گذرا بیان شده‌اند. با این حال، پرسش‌های پژوهش پیش رو آن است که اولاً، علل و زمینه‌های طبیعی و اجتهادی قاریان در اختلاف قرائات، معلول چه مصادیقی بوده است؟ و علماء در باب این علل، چه دیدگاهی داشته‌اند؟ ثانیاً اجتهاد قاریان و روایان، به چه میزان بر توسعه اختلاف قرائات اثرگذار بوده است؟ ثالثاً، اجتهاد قاریان بر چه بخش‌هایی از علوم اسلامی، قرآنی و ادبی اثرگذار بوده است؟

۱. خاستگاه و زمینه‌های علل پیدایش طبیعی در اختلاف قرائات

در درازنای تاریخ قرائات شاهد پدیدهٔ اختلاف قرائات در قرائت قاریان هستیم. باید بررسی کرد که اختلاف قرائات واقعیتی در تاریخ اسلام است یا حقیقتی برای کلام خدا؟ اهل سنت قرائات را حقیقتی انکارناپذیر می‌دانند؛ در حالی که شیعه بر اساس حدیث معروف امام باقر علیه السلام برای قرائات حقیقتی قائل نیستند؛ اما واقعیت آن را نمی‌توان انکار کرد. برخی از علمای اهل سنت و قاطبهٔ محققان شیعی به اثرگذاری اجتهاد در علم قرائات اعتقاد دارند. وجوه مختلف قرائات نشانه‌ای از ظهور مکتب‌های قرائی گوناگون، در گذر زمان و در سرزمین‌هایی است که قاریان، قرآن را به الفاظ مختلف قرائت می‌نمودند. ظهور اختلاف قرائات از نیمهٔ دوم قرن اول، حکایت از توسعهٔ اجتهاد و اعمال نظر قاریان و راویان دارد.

سؤالی که پیش می‌آید این است که چه عللی سبب به وجود آمدن اختلاف‌های موجود در قرائات شده است؟ در بررسی‌های صورت گرفته، بیشتر به جنبه‌های طبیعی اختلاف قرائات اشاره شده است؛ اما در این مقاله به دنبال تفکیک علل اختلاف قاریان هستیم؛ تا علل آنها به صورت دقیق‌تر واکاوی شوند. علاوه بر دامن زدن برخی از قاریان و راویان به خوانش‌های مختلف، دو عامل طبیعی و اجتهادی، سبب توسعهٔ اختلاف قرائات شده‌اند. هر کدام از محققان علوم قرآنی دلایل خاصی را بر اختلاف قرائات مترتب می‌دانند؛ گلدتسیهر نیز در بین مستشرقان، اختلاف قرائات موجود را نتیجهٔ خط عربی و لهجه‌های مختلف معرفی کرده است. با این حال، به نظر می‌رسد برخی محققان بر این باورند که در دوره‌های مختلف عوامل دیگری نیز، در اختلاف قرائات مؤثر بوده‌اند (ر.ک. گلدتسیهر، ۱۹۹۲: ۹ و ۸).

۱-۱. مصحف عثمانی

در زمان عثمان اختلاف قرائات فراوان بود؛ به طوری که این اختلاف میان لشکرهای اسلام نیز به چشم می‌خورد تا اینکه عثمان احساس خطر کرد و گفت: «ای اصحاب محمد! جمع شوید و مصحف امام را بنگارید» (زکشی، ۱۴۱۵: ۲۰۹/۱؛ سیوطی، ۱۳۶۷: ۲۱۱/۱).

هدف اصلی از نگارش قرآن در زمان عثمان، جلوگیری از اختلاف‌های احتمالی در قرائات بوده است؛ اما این اختلافات، بعدها به دلیل مختلف بودن رسم‌الخط مصاحف در شهرها و مناطق متعدد، سبب برداشت‌هایی گردید. هر چند بدیهی است که نقطه‌گذاری مصاحف در آن زمان معمول نبوده است (ابوعمرودانی، ۱۴۰۷: ۱۰/۱-۱۱).

خالی بودن کلمات از علائم، اعراب و نقطه، از علل طبیعی اختلاف قرائات است. اگر کلمه‌ای دارای اعراب و حرکات نباشد، ممکن است به طرق مختلف قابل خواندن باشد؛ به عنوان نمونه به فعل: «أَعْلَمُ» در آیه: «أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره/۲۵۹)، بنگرید. معلوم نیست واژه «اعلم»، فعل امر «اعلم» باشد و یا فعل ماضی «أَعْلَمُ»؛ لذا حمزه و کسائی، آن را به صیغه امر و دیگران به صیغه متکلم قرائت کرده‌اند (ابن خالویه، ۱۹۹۲: ۱/۹۳). این مسئله بیشتر به رسم الخط مصحف‌هایی بر می‌گردد که، کلمات آن اعراب و حرکت نداشتند.

۲-۱. اختلاف لهجه‌ها

از دیگر عوامل اختلاف قرائات، لهجه‌ها و لغاتی بودند که در هر قوم و قبیله‌ای رواج داشتند. شکی نیست که وجود لهجه‌های مختلف، ناشی از قبائلی بوده که در شبه جزیره عربستان وجود داشته‌اند. اختلاف لهجه‌ها و قبایل گاهی آنقدر شدت می‌یافت که هر قبیله فقط معانی و واژه‌های عربی لهجه خود را درک می‌کرد و چنانچه به لهجه دیگری سخن گفته می‌شد، معانی واژه‌ها و کلمات برای آنان روشن نبود؛ با مروری تاریخی بر لهجه‌های مختلف در کشورهای عربی به خصوص شبه جزیره عربستان به نظر می‌رسد که دلایل متعددی از جمله: وجود قبایل مختلف، تنوع زبان و لغت در دوره قبل از اسلام، وجود جوامع مختلف در سرزمین‌های عرب، غزوه‌ها و هجرت‌های صورت گرفته، نحوه بیان و استفاده لغات و واژگان در گذر زمان، در ایجاد لهجه‌ها و اجتهاد قاریان موثر بوده‌اند. در دوره معاصر محققانی مانند: علی جندی، محمد صالح سمک و محمد ابوالفضل ابراهیم، پاره‌ای از اختلاف قرائات موجود را، مربوط به لهجه‌ها می‌دانند (ر.ک، جندی و دیگران، ۱۹۶۰: ۸۰/۱).

نکته حائز اهمیت آنکه عامل لهجه به تنهایی نمی‌تواند بر قرائت قرآن مؤثر باشد؛ بلکه عوامل دیگری هم در این امر دخیل‌اند؛ مانند کسی که در اثر داشتن لهجه نتواند قرائت و اعراب را همانند یک عرب زبان ادا کند؛ اما زبان او قادر نیست اعراب اصلی را تلفظ کند؛ مانند فارسی‌زبان‌ها که در برخی شهرها به جای مَسْجِد، واژه مَسْجَد تلفظ می‌کنند. در این خصوص چند تصوّر وجود دارد: اولاً قاری، قرائت اصلی را با لهجه خود قرائت می‌کند؛ اما شنونده، طوری دیگر برداشت می‌کند که این نوع اختلاف قرائت، مدّ نظر نیست. ثانیاً اگر فردی به دلیل آشنا نبودن با قرائت اصلی، کلماتی را اشتباه بخواند، مربوط به لهجه نمی‌شود. ثالثاً اگر شخصی کلمات و واژه‌ها را با دو نوع اعراب قرائت کند، این نوع اختلاف قرائت، مردود است و مربوط به لهجه‌ها نیست؛ بلکه این مسئله مهم و اثرگذار همان اجتهاد در لهجه‌ها محسوب می‌شود.

عبدالصبور شاهین در تاریخ القرآن درباره مؤثر بودن لهجه‌ها در پیدایش و سیر و تطور اختلاف قرائت آشکارا سخن گفته است (ر.ک، شاهین، ۱۹۶۶: ۲۶۷). از دیدگاه او گام‌های صوتی و نوع بیان واژه‌ها در لهجه (مانند: «نعبد» که با اشباع ضمه، واو تلفظ می‌شود)، معنای جدیدی را بیان می‌کند (شاهین، ۱۳۸۵: ۱۹۹-۲۰۰). در این باره معرفت صاحب کتاب التمهید نیز، تنوع لهجه‌ها را مربوط به همه ملل می‌داند؛ هر چند آن ملل، دارای یک زبان رسمی باشند (ر.ک، معرفت، ۱۳۹۱: ۲۳). چنانچه در قرائت اَعْمَش (۱۴۸ق)، واژه «أَنْبُونِي» را «أَنْبُونِي» قرائت نموده است (ابن جَنِّي، ۱۴۲۰: ۱/۱۸۱). برخی تصور می‌کردند که روش آسان‌گیری پیامبر ﷺ در مسئله قرائت قرآن، خود دلیلی بر اجازه او بر قرائت بوده است (ر.ک، فضلی، ۱۹۸۰: ۱۲۰).

۳-۱. رواج خط کوفی

از دیگر علل طبیعی اختلاف قرائت، نوشتن الف ممدوده در مصحف کوفی بوده است. منشاء خط کوفی عربی، خط سریانی بوده است و در خط سریانی، الف‌های ممدوده در وسط کلمه نوشته نمی‌شوند (معرفت، ۱۳۹۱: ۲۰/۲). در ابتدای نگارش، بر اساس خط کوفی و خط سریانی، الف‌های وسط در قرآن نوشته نمی‌شد و همین عامل بعدها

سبب اختلاف در قرائت قاریان گردید. برای نمونه، در باب نوشتن الف‌های مدی در قرآن‌های خط کوفی، می‌توان به آیه: «وَمَا يَجْدُوعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ» (بقره/۹)، اشاره کرد که قاریانی مانند: نافع، ابوعمر و ابن کثیر، این واژه را «وَمَا يُخَادِعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ» قرائت نموده‌اند (همو).

در کنار اثرگذاری مصحف کوفی در اختلاف قرائات، نقش کاتبان مصاحف دیگر بی‌تأثیر نبوده است و در مصاحف مختلف شکل کلمه با همدیگر اختلاف دارند. در قرائت قاریانی مانند: عاصم، حمزه، کسائی و خلف واژه جَعَلَ در آیه: «وَجَعَلَ اللَّيْلُ سَكَنًا» (انعام/۹۶)، به صورت «جَعَلٌ» و بدون واو قرائت کرده‌اند؛ اما سایر قاریان به صورت «جَاعِلٌ» و جر «الَّيْلِ» قرائت نموده‌اند (ابن جَنِّي، ۱۴۰۰: ۲۶۶). همچنین قاریان در قرائت آیه «أَوَّانٌ يُظْهِرُ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ» (غافر/۲۶)، در باب لفظ «أَوَّانٌ» با یکدیگر اختلاف دارند. حمزه، عاصم، کسائی، یعقوب و خلف از جمله قاریانی هستند که به صورت مشهور «أَوَّانٌ» قرائت نموده‌اند؛ اما سایر قاریان به صورت «وَّانٌ» قرائت نموده‌اند و این گونه کلمات در مصحف کوفه به شکل «أَوَّانٌ» و در سایر مصحف‌ها به صورت «وَّانٌ» مرسوم بوده است (ابوعبید، ۱۴۰۸: ۱۵۷ / ۲).

سال بیست و شش، شماره ۸۰، پاییز ۱۴۰۲

اضافه شدن الفاظی در متن اصلی قرآن توسط قاریان و مفسران، برداشت‌هایی را به همراه دارد و احساس می‌شود که الفاظی که اضافه شده‌اند جزئی از متن قرآن هستند؛ هر چند این امر ممکن است که به صورت غیر عمد اتفاق بیفتد، اما سبب انحراف از متن خواهد شد. مُسَلِّم در صحیح خود از عایشه روایت کرده است که پیامبر آیه: «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» (بقره/۲۳۸) را به صورت «صَلَوْهُ الْعَصْرَ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» قرائت نموده است (حجاج نیشابوری، بی‌تا: ۶۲۹). قابل ذکر است که علاوه بر علل طبیعی که در مورد بررسی قرار گرفته‌اند، علل اجتهادی نیز در توسعه اختلاف قرائات اثرگذار بوده‌اند.

۲. علل و انگیزه‌های اجتهادی قاریان

ممانعت از قرائات تفسیری بعد از رحلت رسول اکرم ﷺ بستری را برای پذیرش قرائات منحصر و محدود به رسم الخط متواتر و واحد را فراهم کرد که مورد توجه پژوهشگران قرار

گرفت؛ مزید بر علل طبیعی در اختلاف قرائات، علل اجتهادی قاریان از ابزار اثرگذار بر فرایند اختلاف قرائات بوده‌اند و همواره بین دو گروه از محققان (شیعه و سنی) در باب آن اختلاف و منازعه بوده است. در پیدایش علل اجتهادی، عوامل متعددی مؤثرند:

۲-۱. چشم و هم‌چشمی قاریان

چشم و هم‌چشمی از علل اجتهادی قاریان است. هر چند لهجه‌ها در علل طبیعی در اختلاف قرائات مؤثرند؛ اما به نوعی می‌توان اشاره کرد که لهجه‌ها زمینه‌ساز علل اجتهادی قاریان نیز، بوده‌اند. قاریان بواسطه چشم و هم‌چشمی و تسلط بر قرائات، مجوز اجتهاد قرائی و شخصی خود را صادر می‌کردند. معرفت به نقل از مرتضی عسکری (صاحب معالم المدرستین)، نقل می‌کند که قاریان به دلیل رقابت در استقصای لهجه‌های قبایل، مسابقه‌ای در بین خود به وجود می‌آوردند و حاصل این مسابقه آن بود که هرگونه تغییر در نصوص قرآن را (اعم از آنکه شاذ یا غیر باشد)، قرائت می‌نامیدند. آنان بدین وسیله وجاهت و پایگاهی را بوجود آوردند که تنها خود متخصص در علم قرائت بودند (ر.ک، معرفت، ۱۳۹۷/۲: ۲۳۶).

باید اشاره کرد که معرفت از جمله کسانی است که به صراحت درباره قرائات اجتهادی قاریان اظهار نظر کرده است. وی ذیل تفسیر آیه: «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» (حمد/۷)، عکس‌العمل نشان داده است و اشاره می‌کند که در متن قرآن، تعبیر «الذین» در هر سه حالت به کار رفته است؛ اما قبیلۀ هذیل، این کلمه را در حالت رفع به صورت «اللدون» و برخی قبائل به صورت «الذی» قرائت نموده‌اند؛ همچنین تعبیر «عَلَيْهِمْ» به ده لهجه مختلف وجود دارد که به پنج صورت: «عَلَيْهِمْ»، «عَلَيْهِمْ»، «عَلَيْهِمْ»، «عَلَيْهِمْ» و «عَلَيْهِمْ»، از ناحیه پیشوایان قرائت شده است؛ اما چهار وجه دیگر: «عَلَيْهِمْ»، «عَلَيْهِمْ» و «عَلَيْهِمْ» و «عَلَيْهِمْ»، از ناحیه قاریان روایت نشده‌اند؛ این در حالی است که به گفته حسن بصری، این لهجه‌ها متعلق به برخی از قبائل عرب هستند و طبق نظر ابن انباری، قرائت قرآن با این چهار وجه نیز، صحیح است (ر.ک، همو، ۱۳۹۷/۲: ۲۳۶). برخی از قاریان با استفاده از روش قیاسی خود به قرائات مختلف دامن زده و زمینه‌ساز اجتهاد در قرائات می‌شدند.

از جمله علل اجتهادی دیگر می‌توان به اصرار برخی قاریان بر کسب شهرت و جایگاه قرائت آنان اشاره کرد که قاریانی مانند ابن شنبوذ، ابن مقسم و دیگران به دلیل بی‌توجهی به خواسته‌های درونی و موقعیت علمی، گرایش به قرائات شاذ و اجتهادی داشته‌اند. از نظر معرفت صاحب التمهید، مراجعه به شرح و حال بیشتر قاریان قرائات شاذ، نشان می‌دهد که آنان افرادی فاضل و دانشمند بودند که به جایگاه علمی آنان بی‌حرمتی شد و با وجود شایستگی، طرد و افراد نالایق جایگزین آنان شدند. شهرت طلبی آنان برای ایجاد اجتهاد و اختیار در قرائت، باعث انحراف آنان از مسیر صحیح قرائات شد و به قرائات اجتهادی، متمایل گشتند (ر.ک، معرفت، ۱۳۹۱: ۵۰/۲).

علل دیگری مانند: رقابت و شهرت طلبی قاریان در قرون دوم و سوم، خوانش‌های مختلف، خلأهای موجود در رسم الخط‌های عثمانی، استفاده برخی قاریان از مصحف‌های خالی از اعراب، ارائه سند‌های مطرود و نشان دادن تسلط قاریان بر قرائات، بی‌دین بودن عالم‌نماهای دنیاپرست و توجه بیش از حد به مسئله عقل در اجتهاد قاریان و البته غلو در قواعد نحویون در کتبی از افرادی مانند: ابوعلی فارسی در الحُجَّه لِلْقُرَّاء السَّبْع، مکی بن ابی طالب در الکشف عن وجوه القراءات السبع و عللها و حُجَّجِه و ابن جتیی در المُحتسب فی تبیین وجوه شُواذ القراءات، در چشم وهم چشمی قاریان مؤثر بوده‌اند.

۲-۲. ورود به لهجات قبایل و شواذ قواعد

از ویژگی‌های مهم قرآن فصاحت و بلاغت است و بسیاری از قواعد ادبیات عرب از همین اصول و اسلوب سرچشمه گرفته‌اند. برخی از قاریان به دلیل تعصب و خودبینی و یا بعد از رسیدن به مرحله شیخ‌القُرایی، قواعدی را برخلاف قواعد ادبیات عرب وضع می‌نمودند که این تغییر سبب ایجاد قرائات اجتهادی می‌گردید. زمخشری به ابن عامر انتقاد کرده است و می‌گوید: «وَأَمَّا قِرَاءَةُ ابْنِ عَامِرٍ: قَتَلَ أَوْلَادَهُمْ شُرَكَائِهِمْ بِرِفْعِ الْقَتْلِ وَنَصَبِ الْأَوْلَادِ وَجَرَّ الشُّرَكَاءَ عَلَى إِضَافَةِ الْقَتْلِ إِلَى الشُّرَكَاءِ وَالْفَصْلَ بَيْنَهُمَا بِغَيْرِ الظَّرْفِ، فَشَيْءٌ لَوْ كَانَ فِي مَكَانِ الضَّرُورَاتِ وَهُوَ الشَّعْرُ، لَكَانَ سَمَجاً مَرْدُوداً» (زمخشری، ۲۰۰۹: ۳۴۸). وی در آیه: «قَتَلَ أَوْلَادَهُمْ شُرَكَاءَهُمْ» (انعام/۱۳۷)، «شُرَكَاء» را مجرور و مضاف الیه «قَتَلَ» دانسته و فاصله

بین مضاف و مضاف الیه را جایز شمرده است. وی ضمن انتقاد از شیوه ابن عامر، چنین امری را حتی در صورت ضرورت شعری مردود و در قرآن، مطرود دانسته است.

در حوزه علم نحو، نحویون به قرائت برخی از قاریان مشهور، به دلیل بی توجهی به اصول علمی، خودبینی و تعصب آنان انتقادهایی وارد کرده‌اند. مازنی از قرائت نافع (ت ۱۶۹ق) درآیه: «وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ» (اعراف/ ۱۰) که به صورت «معاش» قرائت نموده است، انتقاد می‌کند و خطاب به وی می‌گوید: «نافع در بیان این گونه الفاظ، انگار عربی نمی‌داند» (مازنی، ۱۹۵۴: ۱/ ۳۰۷) و یا دیدگاه فراء درباره حمزه کوفی (۸۰-۱۵۶ق) در قرائت آیه: «وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِحِي» (ابراهیم/ ۲۲)، لفظ «بِمُصْرِحِي» به صورت مکسور قرائت کرده است و این امر را از وهّم قاریان در علم نحو می‌داند (ابو حیان، ۱۹۹۳: ۶/ ۴۲۸). ایبازی در کنار بی اطلاعی قاریان از اصول و قواعد عربی، تأویلات فراوان قاریان را نتیجه اجتهاد قاریان و راویان معرفی کرده است (ر.ک، ایبازی، ۱۴۱۱: ۱۴۴).

۲-۳. غرض‌های شخصی

از علل دیگر اجتهادی قاریان، اهداف و غرض‌های فردی و شخصی است. انطباق غرض شخصی با نص صریح قرآن گاهی عمدی و گاهی غیر عمدی اتفاق می‌افتد که در آن قاری به دلیل عدم آشنایی با قواعد لغت، در قرائت خود تلحین (غلط اعرابی یا نحوی) می‌کند؛ البته غرض‌های سیاسی و اهداف دیگر جزئی از الحاقات غرض‌های شخصی به منضمات تفسیری است، نه متن قرآن، مانند قرائت «ابن عامر» در آیه: «كُنْ فَيَكُونُ» که «فَيَكُونُ» را به صورت مضارع قرائت نموده است (معرفت، ۱۳۹۱: ۲/ ۴۲). در این اهداف قاریان الفاظ و واژه‌ها را طبق اغراض خاصی تغییر و قرائت می‌کنند و لذا از ظرفیت‌های ایجاد شده در علوم مختلف، اقدامات مؤثری را برای پیشبرد هدف‌های شخصی خود انجام می‌دهند.

حمزه (۸۰-۱۵۶ق) در قرائت خود در آیه ۹۷ سوره کهف: «فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ»، حرف «طاء» را در «فَمَا اسْطَاعُوا» مُشَدَّد قرائت نموده است و احتمالاً از شیوه اجتهادی است. از منظر سیبویه، ادغام طاء و متحرک ادا نمودن سین، محال است؛ به این علت که مبنی بر

سکون است (ر.ک، نحاس، ۱۹۸۸: ۲/۴۷۴). خلیفه اول نیز در اواخر عمر خود به دلیل موقعیت و جایگاه حکومتی، اقدام به قرائات اجتهادی می‌کرد؛ مثلاً وی در آیه ۱۹ سوره قاف: «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ» را به صورت «سَكْرَةُ الْحَقِّ بِالْمَوْتِ» قرائت نموده است و آیات را با اختیار خود و با روش تبدیل، قرائت می‌کرد.

معرفت چنین قرائاتی را برآمده از اوهام و خطورات ذهنی افراد غیر متخصص می‌داند که در قرائت خود با استفاده از اهداف و احتجاج سلیقه‌ای چنین قرائتی را مطرح می‌کنند (ر.ک، معرفت، ۱۳۹۱: ۲/۵۴). در اهداف و غرض‌های شخصی، خطاهای فاحش، اسناد ضعیف، الفاظ غیر جایز، زیادت در لفظ، تبدیل الفاظ به الفاظ دیگر، استفاده از الفاظ شاذ و خروج از قیاس منطقی و آوردن الفاظ مترادف دیده می‌شود. در بیان انگیزه‌های اجتهادی قاریان، مؤدب نیز، دلایلی مانند: عدم حضور پیامبر ﷺ و اعتقاد خلیفه دوم به تسامح و تساهل در نص قرآن، گرایش مردم به قرائات مختلف را از علل گرایش به قرائات اجتهادی می‌داند (ر.ک، مؤدب، ۱۳۸۷: ۸۷).

۴.۲. باز دیدن دست خود با استناد به حدیث سبعة احرف

استفاده ابزاری و اجتهادی برخی از قاریان از حدیث سبعة احرف، مزید بر علت اجتهادی قاریان است. برخی از علماء روش قیاس مقبول و اختیار قاریان در قرائت اجتهادی را به عنوان یکی از مصادر قرائات معرفی نموده‌اند؛ به این معنی که از پیامبر ﷺ روایت نشده است؛ اما از نظر جواز، بر قرائت وی که از آن حضرت روایت شده است، می‌توانیم حمل و قیاس داشته باشیم؛ مانند قرائت انس بن مالک که در سوره انشراح به جای «وَضَعْنَا»، واژه «حَلَّلْنَا» (که تغییری در معنا ایجاد نمی‌کند)، آورده است (فضلی، ۱۹۸۰: ۱۰۷)؛ البته این مسئله مورد اختلاف علماء اهل سنت است و عقیده جمهور درباره قیاس مقبول جایز نیست و قیاس را روش مناسبی برای ایجاد یقین نمی‌دانند و ریشه در تقلید کورکورانه از گذشتگان دارد.

بدون شک اگر سند قاریان و راویان معتبر نباشد، اجتهاد آنان پذیرفته نخواهد شد؛ هر چند می‌دانیم اجتهاد و قیاس در مورد قرآن تحت هر شرایطی قابل پذیرش نیست.

اختیار و اراده قاریان نیز در انتخاب قرائات، نقش مهمی در توسعه نهضت اجتهادی قاریان داشته است و قاریان بر اساس نظر شخصی خود به انتخاب قرائات می‌پرداختند و اینچنین در بین مردم به شهرت بالایی می‌رسیدند. از طرفی اختیار و انتخاب قاریان از نگاه محققان متقدم و معاصر متفاوت است و نصوص تاریخی گواهی بر فزونی اجتهاد قاریان در گذر زمان بوده است.

وجود معانی و نقل ۳۵ قول مختلف در حدیث سبعة احرف، خود دلیلی بر وجود آشفتگی در متن این حدیث است. علامه مامقانی می‌گوید: «وَهُوَ كُلُّ حَدِيثٍ اِخْتَلَفَ فِي مَتْنِهِ»؛ «مضطرب آن است که متن آن مختلف نقل شده است» (مامقانی، ۱۴۱۱: ۱/۳۸۶). می‌دانیم که حدیث مضطرب به شیوه‌های مختلف بیان می‌شود و از طرفی در حدیث سبعة احرف نوعی غرابت وجود دارد و فهم آن نیز، برای علماء مشکل است؛ بنابراین قاریان برای نیل به اهداف خود از این فرصت، تفاسیر مختلفی از این حدیث داشته‌اند و راویان نیز به دلیل ضعف‌های موجود در حدیث، با دقت آن را نقل نکرده‌اند.

جریان‌های فکری دیگری مانند غلات با استفاده از این ظرفیت و فرصت، در مواجهه با سبعة احرف و ترویج قرائات مختلف در القاء اختلاف در قرآن، تلاش‌های فراوانی داشته‌اند. اعتقاد به تحریف قرآن و ایجاد اختلاف در قرائات، یکی از اهداف منحرفانه این گروه بوده است. جمال الدین المقداد بن عبدالله السیوری، از شیعیان امامیه (۵۹۲۶هـ)، قرائات را غیر متواتر می‌داند و تصریح کرده است که، اجتهادی که از سوی قاریان صورت گرفته است را نمی‌توان به پیامبر ﷺ نسبت داد و آن را به اثبات رساند و بر همین اساس اصالت قرائات را نمی‌پذیرد (ر.ک، سعید، ۱۹۶۷: ۱۹۱).

۳. کارکرد اجتهادی قاریان در توسعه علم قرائات

بی‌شک اندیشمندان زیادی در حوزه علوم قرآنی، اجتهاد قاریان و راویان را در گسترش و اثرگذاری بر اختلاف قرائات و علوم قرائات، مهم توصیف کرده‌اند؛ بنابراین با توجه به مهم بودن این مسئله، نقش اجتهاد قاریان بر برخی از این علوم تبیین می‌شود:

۳-۱. نقش اجتهاد قاریان در قرائات شاذ

قرائت شاذ بنا بر تصوّر عامه، معنای بازدارنده‌ای دارند؛ اما بازمول تفسیر دیگری از تعبیر ابو عبید قاسم دارد، وی معتقد است که «هر چند معانی و مفاهیمی که از تفسیر برخاسته از قرائات شاذ به دست می‌آید، همان تفسیر قرآن به قرآن نیست؛ اما از باب تفسیر قرآن به سنت، در صورت مستند نمودن این گونه قرائات به قرائت التبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، می‌توان چنین تفاسیری را پذیرفت» (بازمول، ۱۴۱۷: ۱۲۹)؛ البته چنین دیدگاهی مختص علماء و صاحب نظران است، نه عامه مردم که توان تشخیص چنین قرائاتی را ندارند.

قرائات شاذ در برخی موارد، ظاهری موجّه دارند؛ اما اصالت آنان برخلاف قواعد مسلم و قرائات متواتر است و اثر جدی بر معنای کلام دارند و جایی که قرائت بر مفهوم واقعی کلمه مؤثر باشد، دچار اجتهاد شده است. بر طبق آنچه سخاوی بیان کرده است، قرائت شاذ در میان بسیاری از دانشمندان به معنای تخطی از قرائت جمهور (متواتر) است «سخاوی، ۱۴۰۸: ۳۲۲». از مشاهیر قرائت شاذ می‌توان به ابن شنبوذ (۳۰۰ ق) و بعد از وی ابو عطار (که از شاگردان وی بود)، اشاره کرد که نقش بسیار مهمی در نشر این قرائت داشته‌اند. در آیه ۶ سوره ماعون، لفظ «يُرْعُونَ»، به جای واژه اصلی «الَّذِينَ هُمْ يُرْأَوْنَ» قرائت شده و به معنی تغذیه است؛ در حالی که واژه «يُرْأَوْنَ» به معنی ریا آمده است.

۳-۲. تأثیر بر رسم الخط مصاحف

رسم الخط عثمانی که به شهرهای مختلف فرستاده شد، حکایت از وجود اختلاف و شکل‌گیری اجتهاد قرائات دارد. مثلاً در آیه: «وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ لَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَّهُ قَانِتُونَ» (بقره/۱۱۶)، قاریان با همدیگر اختلاف نظر دارند. ابن عامر در این آیه لفظ «وَقَالُوا» را بدون واو و به صورت «قَالُوا» قرائت کرده است؛ البته این مسئله در مصحف شام، بدون واو مرسوم است. نمشه عبدالله الطواله نویسنده القراءات القرآنیه و اثرها فی علوم القرآن، مصحف شام را به دلیل اختلاف با مصاحف دیگر، باعث اختلاف میان عامه مردم می‌داند (طواله، ۲۰۱۴: ۳۱۴). این امر نشان از ناهماهنگی مصاحف دارد که سبب اختیار قاریان شده است.

در نمونه‌ای دیگر و در آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ» (مائده/۵۴)، اختلاف بر سر کلمه «يَرْتَدَّ» است که نافع، ابن عامر و ابوجعفر، با دو دال مکسور و شکل دوم آن هم به صورت ساکن «يَرْتَدِدُ» و بقیه قاریان آن را «يَرْتَدُّ» قرائت کرده‌اند؛ در حالی که در مصاحف مدینه و شام با دو دال «يَرْتَدِدُ» و در سایر مصاحف با یک دال «يَرْتَدُّ» آمده است (ابن جتی، ۱۴۲۰: ۲۴۵).

۳-۳. تجوید

اجتهاد قاریان بر فرایند تجوید در قرائت قرآن نیز اثرگذار است و تجوید نقش فعالی در انتقال مفهوم و معنای آیات دارد. شیخ زکریا انصاری (۲۶۰ هـ ق) از محققان علم قرائات، تجوید را از لحاظ لغت، به معنای تحسین، نیکوساختن و آراستن معرفی نموده است؛ اما از نظر اصطلاحی، گونه‌ای است که حق هر حرفی از نظر مخرج و صفت ادا شود. در صورت بی‌توجهی به آدا و اعراب واژه‌ها در تجوید، معنا و تفسیر جدیدی از آن استخراج می‌گردد (ر.ک، انصاری، ۱۹۴۸: ۸). هر چند موضوع اعراب مربوط به بحث صرف و نحو است؛ اما بی‌توجهی به اعراب، بخشی از تجوید و آدا محسوب می‌شود.

اگر «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» را با لفظ الحمد لله قرائت شود، در عبارت اول معنای «ستایش» و در عبارت دوم، معنای «از کار انداختن، آرام شدن و ثبات یافتن» دریافت می‌شود، و در صورت بی‌توجهی به اعراب در علم تجوید، اجتهاد معنایی از این واژه استخراج می‌شود. ابوجعفر در قرائت اجتهادی خود در «مِنْ غَلٍّ» و «مِنْ خَيْرٍ» به جای اظهار، اخفاء می‌کند و در توجیه آن، انتخاب وجه اخفاء به دلیل دوری دو حرف «غین و خاء»، از زبان را علت آن می‌داند (ر.ک، عباس، ۱۴۲۸: ۱۸۸-۱۹۰) و این امر به نظر می‌رسد که بیشتر ریشه در اجتهاد قرائات داشته باشد.

۴.۳. احکام فقهی و تفسیری

قرآن مصدر و منبع تشریح احکام است که بر هر مسلمانی واجب است که آن را یاد بگیرد. فرایند اثرگذاری اجتهاد قرائات بر احکام فقهی و اختلاف نظر علماء اهل سنت و شیعه، از جمله چالش‌هایی است که در بین مفسران و قاریان وجود دارد. در آیه: «وَلَا

تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهَرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ» (بقره/۲۲۲)، تلاش ما در این مسئله بر سر دو واژه «يَطْهَرْنَ، يَطْهَرْنَ» است که در قرائت قاریانی مثل: حمزه، کسائی، شعبه و خَلَف، با تشدید طاء و هاء «يَطْهَرْنَ» و سایر قاریان به سکون «طاء» و ضم «هاء» و بدون تشدید قرائت شده است و این مسئله حکایت از اختلاف نظر بین این دو گروه دارد (ابن مهران، ۱۴۰۷: ۱۴۶).

ابن مجاهد نیز، درباره واژه «يَطْهَرْنَ» در آیه: «وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهَرْنَ» (بقره/۲۲۲)، عقیده دارد قاریانی چون: حمزه، کسائی و عاصم به روایت ابی بکر با تشدید «يَطْهَرْنَ» قرائت نموده‌اند و قاریان دیگر مانند: ابن کثیر، نافع، ابن عامر و ابو عمرو با تخفیف قرائت نموده‌اند (ابن مجاهد، ۱۴۰۰: ۱۸۲). در صورتی که واژه (یطهرن) همراه با تشدید باشد، دو معنای غسل و انقطاع خون از آن استخراج می‌شود و در صورتی که با تخفیف قرائت شود، معنای واحد و قطع خون از آن حاصل می‌شود؛ این نشان از اثرگذاری نوع قرائت در احکام فقهی، معنایی و تفسیر آن خواهد بود. جصاص می‌گوید: «قرائت با تخفیف محکم و قرائت با تشدید متشابه است و حکم متشابه به حکم اصلی بر می‌گردد و معنای هر دو قرائت به معنایی واحد بر می‌گردد و آن قطع خون است (جصاص، بی‌تا: ۴۱۲/۱)؛ بنابراین قرائت حمزه و کسائی به صورت «يَطْهَرْنَ» معنای عدم جواز نزدیکی و سایر قاریان که به صورت «يَطْهَرْنَ» قرائت نموده‌اند، معنای جواز نزدیکی، از آن ایفاد می‌گردد.

۴. تأثیر اجتهاد قاریان بر علوم ادبی

از مباحث جدی اجتهاد قرائت، اثرگذاری آن بر علوم ادبی و اسلامی و از جمله: علم صرف و نحو، فقه، حدیث، کلام، لغت، بلاغت، معنا و تفسیر بوده است.

۱-۴. علم صرف

در «علم صرف»، مهمترین اشکالی که در ضمائر و بحث‌های صرفی وجود دارد، مربوط به لهجه‌های مختلف قاریان در ادای کلمات است. می‌خواهیم به پاسخ این سؤال برسیم که بین اجتهاد و علم صرف، چه ارتباطی وجود دارد که قاریان هنگام ادای کلمات، با

اختلاف‌هایی مواجه می‌شوند؟ در آیه: «إِنْ يَمَسُّكُمْ فَزَحٌّ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ فَزَحٌّ مِثْلُهُ» (آل عمران/ ۱۴۰) اشاره کرد که در قرائت ابن‌کثیر، نافع، ابوعمرو، ابن‌عامر و حفص از عاصم، به شیوه قرائت مشهور قرائت نموده‌اند؛ اما در قرائت عاصم به روایت ابوبکر و کسائی به صورت «فُزَحٌّ» به ضم قاف قرائت شده است. ابوعلی فارسی می‌گوید: «اینکه کلمه فُزَحٌّ و فُزَحٌّ، مانند کلماتی چون: الضَّعْفُ و الضُّعْفُ، الكَرْهُ و الكَرْهَةُ، الفَقْرُ و الفُقْرُ بر یک وزن هستند و ابن‌کثیر بر لغت اهل حجاز قرائت می‌کند، به این دلیل است که قرآن به لهجه حجاز نازل شده است و قرائت به این شیوه، اشکالی بر آن وارد نمی‌سازد» (ابوعلی فارسی، ۱۹۸۴: ۷۹/۳).

همچنین در باب واژه «وَكَايِنٌ»، در آیه: «وَكَايِنٌ مِّنْ نَّبِيِّ قَاتِلٍ مَّعَهُ رَيْبُونَ كَثِيرٌ» (آل عمران/ ۱۴۶)، تنها کسی که متفاوت از دیگران قرائت نموده است، ابن‌کثیر است که به صورت «وَكَايِنٌ»، همزه بین الف و نون را، بر وزن «كَاعِنٌ» قرائت نموده است (همان: ۸۰/۳). ابوعلی فارسی نیز دلیل این مسئله را به دلیل آمدن به صورت «كَايِنٌ رَدَدْنَا عَنْكُمْ مِنْ مُدَجَّجٍ؛ يَجِيءُ أُمَامَةَ الْقَوْمِ يَرِدِي مَقْتَعًا»، در شعر شاعران متقدم و از جمله سیبویه می‌داند و وی با وجود ابهام در کلام، این امر را شیوه‌ای تقلیدی می‌داند (ر.ک، بدیع یعقوب، ۱۹۹۲: ۱۷۰/۲).

۲-۴. علم نحو

در کنار علم صرف، علم نحو نیز بر توسعه قرائات اجتهادی مؤثر بوده است؛ چنانکه ضحاک بن مزاحم هلالی (۱۰۵ق)، از جمله قاریان و تابعانی است که در سند قرائی خود اگر کسی را در صحابه پیدا نمی‌کرد، آن قرائت را به رسول الله نسبت می‌داد (عطوان، ۱۹۹۳: ۱۱۳). نحویون و از جمله ابوعلی فارسی، در توجیه قرائات از روش‌های مختلفی از جمله: توجیه مسائل نحوی از طریق علم صرف، بهره‌مندی از طریق مسائل عقیدتی و فقهی، استعانت از شیوخ در مناقشات نحوی، اعتماد به معنا و استفاده از مثال‌های قرآنی در آیات قرآن کریم استفاده کرده‌اند. کوفه و بصره در اجتهاد قرائات، به ویژه در علم صرف و نحو بر اساس تاریخ و گذر زمان، بیشترین اثرگذاری را در اختلاف قرائات بر مدرسه بغداد بعد از مُبَرِّد بصری و ثعلب کوفی) داشته‌اند (ر.ک، حبیب، ۱۴۳۶: ۲۶-۲۷).

در اجتهاد نحویون، مکی بن ابی‌طالب در آیه: «وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» (بقره/ ۱۲۵)،

به توجیه آیه پرداخته است و قاریانی مانند: ابن عامر و نافع، فعل «وَأَتَّخِذُوا» را با فتحه، یعنی «وَأَتَّخِذُوا» قرائت کرده‌اند (قیسی، ۱۹۸۷: ۱/۲۶۳)؛ در حالی که فعل دلالت بر ماضی و اخبار گذشته است و قاری در این باره احتجاج و اجتهاد کرده است. دمیاطی بناء در آیه: «وَأَتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ» (نساء/۱)، قرائت واژه «الْأَرْحَامَ» را به جر قرائت کرده و دلیل آن را، عطف بر ضمیر مجرور به حرف و این نوع قرائت را، شیوه کوفی‌ها دانسته است (بناء، ۱۳۴۵: ۱۸۵) و این همان اجتهادی است که پشتوانه منطقی ندارد.

۳-۴. علم لغت

قرآن به زبان عربی و به صورت آشکارا نازل شده است. در الفاظ قرآن اختلافی دیده نمی‌شود و اگر اختلافی هم در قرائت قاریان دیده می‌شود، به دلیل وجود لهجه‌های اعراب بوده است. مثلاً ابوجعفر قرائت آیه: «لَا يَحْزُنُهُمُ الْفَرَقُ الْأَكْبَرُ» را بر خلاف نافع قرائت نموده است. نافع به صورت «أَحْزَنَ» قرائت کرده است و بقیه قاریان، آن را به صورت «حَزَنَ» قرائت نموده‌اند (ازهری، ۱۹۹۱: ۲۸۰/۱). در این مورد، استدلال عقلی دیده نمی‌شود و اعمال سلیقه قاری در تغییر الفاظ اثرگذار بوده است. در آیه ۱۰۳ سوره نحل: «يُلْجِدُونَ إِلَيْهِ أَعْمَجِيٍّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ»، لفظ «يُلْجِدُونَ» در قرائت حمزه یاء و حاء به صورت «يَلْجِدُونَ» قرائت شده است و سایر قاریان آن را طبق قرائت مشهور ادا نموده‌اند (أخفش، ۱۴۰۵: ۲/۵۳۸).

نتیجه

در منازعات فکری اندیشمندان (اهل سنت و شیعه) بر سر اجتهاد قاریان، علمای اهل سنت قرائت را بنا به اعتقاد مُسَلَّم، و حیانی می‌دانسته‌اند و اهل شیعه نیز، بنا به روایات برخی ائمه علیهم‌السلام، آن را نتیجه اجتهاد و استنباط شخصی قاریان و راویان تعبیر می‌کردند؛ بنابراین قرائت‌های اجتهادی بر اساس اسناد، بی‌اساس بوده و حیانی نیست؛ زیرا ائمه علیهم‌السلام، شیعه را به قرائت واحد رهنمود کرده‌اند؛ با این حال در پاسخ به پرسش‌های یاد شده (در بیان مسئله)، به نتایج حاصله اشاره می‌شود:

۱- بر اساس شواهد و نصوص تاریخی، اختلاف قرائت در اواخر قرن اول و نیمه اول قرن دوم شکل گرفت و به دنبال آن، اجتهاد و اعمال سلیقه از نسلی به نسلی دیگر منتقل گردید.

۲- از دیرباز اجتهاد قاریان درگفتمان محققان اسلامی، رویکرد متفاوتی داشته است. تصدیق قرائات مختلف که مُنزل من عند الله است، تفکر نادرستی است؛ زیرا لفظ اُنزل در قرائات و معنای مجازی، قابل قبول است و در معنای حقیقی به هیچ وجهی از وجوه، مورد پذیرش نخواهد بود. در ظاهر همه نافی اجتهاد قرائات هستند؛ اما در گذشته‌های تاریخی، اجتهاد قاریان از سوی نحویون، فقها، متکلمان، مفسران و قاریان صورت پذیرفته است.

۳- قرائتی که دارای سند، نقل صحیح و مرفوع به پیغمبر ﷺ باشد، می‌تواند به عنوان قرائت شاخص و مقبول مورد پذیرش واقع شود و در صورتی که قرائت بر اساس احتجاج شخصی شکل گرفته باشد، قرائت معتبری نیست و علمای شیعه نیز تصریح می‌کنند که قرائات سبع مشهورند نه متواتر.

۴- در اختلاف قرائات، عوامل مختلفی از جمله: علل طبیعی (مصحف عثمانی، اختلاف لهجه‌ها و رواج مصحف کوفی) و به ویژه علل اجتهادی (هواهای نفسانی، بی‌اطلاعی از قواعد عربی، غرض‌های شخصی و باز دیدن دست خود با استناد به حدیث سبعة احرف) در توسعه اجتهادی قاریان بر علوم اسلامی، اثرگذار بوده‌اند. این تأثیرات در علومی چون: فقه (اثرگذاری بر معنا و مفهوم آیات)، علم صرف و نحو (توجیه نحویون با استفاده از آیات و شعر شاعران متقدم)، کلام (استنباط شخصی آیات با استفاده از علم کلام)، تجوید (عدم توجه به احکام تجویدی و ادا الحروف)، لغت و بلاغت (مقایسه کلام خدا و بشر)، قرائت شاذ (برخلاف ظاهری موجه، معنا را تغییر می‌دهد) و تفسیر (ایجاد بستر تفسیر به رأی و تغییر در مفهوم حقیقی متن قرآن) به خوبی قابل مشاهده‌اند.

۵- هرچند در قرائات، اجتهادهای متعددی صورت پذیرفته است؛ اما در نص صریح قرآن تغییری حاصل نشده است و این مسئله همان تواتر و عدم تحریف‌پذیری قرآن است.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- ابن جتنی، عثمان. (۱۴۰۰). *السبعه فی القراءات*، به کوشش شوقی ضیف، قاهره، دار المعارف.
- همو. (۱۴۲۰). *المحتسب*، به کوشش علی نجدی و عبدالفتاح شلبي، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن خالویه. (۱۹۹۲). *اعراب القراءات السبع و عللها*، قاهره، مکتبه الخانجی.
- ابن عاشور، محمد الطاهر. (۱۴۲۰). *التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسۀ التاریخ العربی.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق. (بی تا). *الفهرست*، به کوشش رضا تجدد، تهران، مروی.
- ابن مجاهد. (۱۴۰۰). *السبعه فی القراءات*، به کوشش شوقی ضیف، قاهره، دارالمعارف.
- ابن مهران، احمد بن حسین. (۱۴۰۷). *المبسوط فی القراءات العشر*، به کوشش سبع حمزه حاکمی، دمشق، مجمع اللغه العربیه.
- ابو حیان اندلسی، محمد بن یوسف. (۱۹۹۳). *تفسیر البحر المحیط*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابوعبید، قاسم بن سلام. (۱۴۰۸). *فضائل القرآن و معالمه و آدابه*، به کوشش حسن عتر، بیروت، دارالشائر الاسلامیه.
- ابوعلی فارسی، حسن بن احمد. (۱۹۸۴). *الخُجّه للقراء السبعه*، به کوشش بدر الدین قهوجی و بشیر حویجاتی، بیروت، دار المأمون للتراث.
- ابوعمرودانی، عثمان بن سعید. (۱۴۰۷). *المحکم فی نقط المصاحف*، دمشق، دارالفکر.
- ابیاری، ابراهیم. (۱۴۱۱). *تاریخ القرآن*، مصر، دارالکتب المصری.
- أخفش، سعید. (۱۴۰۵). *معانی القرآن*، به کوشش عبدالامیر امین، بیروت، عالم الکتب.
- ازهری، محمد. (۱۹۹۱). *القراءات و علل التحوین فیها المسمی علل القراءات*، به کوشش نوال بنت ابراهیم الحلوه، ریاض، بی تا.
- انصاری، زکریا. (۱۹۴۸). *الدقائق المحکمه فی شرح المقدمه*، قاهره، مطبعۀ عیسی البابی الحلبی.
- بازمول، محمد بن عمر بن سالم. (۱۴۱۷). *القراءات و اثرها فی التفسیر و الأحکام*، عربستان: دارالهجره.
- بالوالی، محمد. (۱۴۱۸). *الاختیار فی القراءات و الرسم و الضبط*، المملکه المغربیه، وزاره الأوقاف.
- بدیع یعقوب، امیل. (۱۹۹۲). *المعجم المفصل فی شواهد النحو الشعریه*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- بتا، احمد بن محمد. (۱۳۴۵). *اتحاف فضلاء البشر*، به کوشش علی محمد ضباع، قاهره، چاپ خانۀ عبدالحمید احمد حنفی.
- جصاص، احمد بن علی. (بی تا). *احکام القرآن*، به کوشش صدقی محمد جمیل، بیروت، دارالفکر.
- جندی، علی؛ محمد صالح سمک و محمد ابوالفضل ابراهیم. (۱۹۶۰). *اطوار الثقافه و الفکر فی ضلال العروبه و الاسلام*، قاهره، مطبعه الانجلو المصریه.
- حبيب، بوسغادی. (۱۴۳۶). *قراءه فی نحو القراءات القرانیه*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- حجاج نیشابوری، مسلم. (بی تا). *الصحیح*، به کوشش محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- زرکشی، محمد بن عبدالله. (۱۴۱۵). *البرهان فی علوم القرآن*، به کوشش یوسف عبدالرحمن مرعشلی، بیروت، دارالمعرفه.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۲۰۰۹). *تفسیر الکشاف (الکشاف عن حقایق التنزیل)*، بیروت، دارالمعرفه.

- سخاوی، محمد بن عبدالرحمن. (۱۴۰۸). **جمال القراء و کمال الإقراء**، به کوشش علی حسین البواب، مکه، مکتبه التراث.
- سعید، لیب. (۱۹۶۷). **الجمع الصوتی الأول للقرآن الکریم**، قاهره، دارالکتب العربی.
- سیوطی، جلال الدین. (۱۳۶۷). **الاتقان**، قم، منشورات الرضی.
- شاهین، عبدالصبور. (۱۳۸۵). **تاریخ قرآن**، به کوشش سید حسین سیدی، مشهد، به نشر.
- همو. (۱۹۶۶). **تاریخ القرآن**، بیروت، دارالعلم.
- صدر، محمد باقر. (۱۴۲۹). **دروس فی علم الاصول**، قم، صدر.
- طواله، نمشه عبدالله. (۲۰۱۴). **القراءات القرانیه و اثرها فی علوم القرآن**، ریاض، دار کنوز اشبیلیا.
- عباس، فضل حسن. (۱۴۲۸). **القراءات القرانیه و ما يتعلق بها**، اردن، دار النفائس.
- عطوان، حسین. (۱۹۹۳). **الدراسات الدینیة فی العصر الاموی**، بیروت، دار الجیل.
- فضلی، عبدالهادی. (۱۹۸۰). **القراءات القرانیه تاریخ و تعریف**، بیروت، دارالعلم.
- همو. (۱۳۸۸). **مقدمه ای بر تاریخ قراءات قرآن**، به کوشش سید محمد باقر حجتی، قم، اسوه.
- قیسی، مکی بن ابی طالب. (بی تا). **الإبانه عن معانی القراءات**، به کوشش عبدالفتاح اسماعیل شلبی، مصر، دار نهضة.
- همو. (۱۹۸۷). **الكشف عن وجوه القراءات السبع و علیها و حُججها**، به کوشش محی الدین رمضان، مصر، الرساله.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۸). **الکافی**، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- گلدتسیهر، ایگناس. (۱۹۹۲). **مذاهب التفسیر الاسلامی**، ترجمه عبدالحلم التجار، بیروت، داراقرء.
- مازنی، بکر بن محمد. (۱۹۵۴). **المنصف**، به کوشش ابراهیم مصطفی و عبدالله أمين، قاهره، احیاء التراث القدیم.
- مامقانی، عبدالله. (۱۴۱۱). **مقیاس الهدایه فی علم الدرایه**، قم، مؤسسه آل البيت.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۴). **بحار الانوار**، به کوشش عبدالزهراء علوی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- معرفت، محمد هادی. (۱۳۹۱). **التمهید فی علوم القرآن**، قم، تمهید.
- همو. (۱۳۹۷). **التمهید فی علوم القرآن**، قم، مطبعه مهر.
- مؤدب، سید رضا. (۱۳۸۷). **نزول قرآن و رؤیای هفت حرف**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- نحاس، احمد بن محمد. (۱۹۹۸). **اعراب القرآن**، به کوشش زهیر غازی، ریاض، دار عالم الکتب.